

رضا شعبانی دانشیار دانشگاه ملی ایران

لندن - پنجم امرداد ماه ۱۳۵۲

حاشیه‌ای بر کنگره خاورشناسی پاریس

۲۵ تا ۳۱ تیرماه ۱۳۵۲

در این که خاور کیجاست ؟ خاورشناسی چیست ؟ و خاورشناس کیست ؟ تاکنون بحث‌های ممتنع و مفصلی رفته است که در حوصله این مقال نیست ، و چنین بنظر می‌رسد که علی‌رغم همه گفته‌ها و شنیده‌ها در این زمینه ، هنوز فصاحت میدان ارادت (!) آن چنان وسیع می‌نماید که حالا حالاها مردان سخنگوی ، گوی می‌توانند زد و در می‌شایند سفت . این بنده بی ذکر مقدمه می‌خواهم بحث را در چگونگی پیشرفت کار کنگره مبنی بر طرز انتخاب واعزام هیئت ایرانی شرکت کننده و نحوه فعالیتی که از جمعیت خاورشناس خودمان که خوشبختانه در زمره اجله علماء و فضلاء محسوب می‌شوند - در پاریس مشهود بود ، شروع کنم . طبیعی است که انتظار داشته باشیم ارباب خرد که در مجمع حاضر بودند ، تجربیات و اطلاعات خویش را در هر زمینه بیان

دارند و معایب و مشکلات را از هر حیث برشمارند ، همچنانکه اگر فایده‌ی نیز بر این کنگره مترتب بوده ، عیان فرمایند تا منبعدهم که «شور چنین کنگره‌مهایی افرورخته است» بقول میرزاهمدی خان استرآبادی، «نان جفاکشان این شاهراه» بهتر پخته گردد!

جمعیت عظیم سه و چهار هزار نفری که در بیست و نهمین و آخرین کنگرهٔ خاورشناسی ، گرد آمده بودند . از ملتها و ملیتهای مختلفی ترکیب شده بودند که بیش از همه سهم کشور میزبان فرانسه و ممالک شوروی وانگلیس و آمریکا در آن بچشم می‌خورد . ممالک دیگری نیز اعم از اروپائی و آمریکائی و آسیائی و... نمایندگان اعزام داشته بودند که در آن میان ، کشور عزیز خودمان هم با گسیل حدود شصت تن از نخبهٔ دانشمندان حقیقتاً جای واقعی خویش را بدست آورده بود . بگذریم از اینکه انسان با توجه به محتویات چنین کنگره‌ای و آنچه که برداشت نهائی از کارهای آن بود ، واقعاً حیفش می‌آمد که بزرگوارانی چون محیط و رعدی و مینوی و امثالهم که خوشبختانه فراوان بودند ، وقتشان را در آنجا بگذرانند ، و در واقع تلف کنند!

ولی هر چه بود که محققانی عالی رتبه و قدر اول در جلسات مربوط حضور می‌یافتند و با افادات عالمانهٔ خود به بساط سخن شکوه و رونق می‌بخشیدند .

و اما ، سخن بر این است که اساساً عنوان «کنگرهٔ خاورشناسی» بر این پایه که عده‌ای از هر کجا گرد هم آیند و هر کدام مطلبی از هر قبیل که بخواهند تدارک بینند ، و بعد با توجه به وقت محدود کنگره ، در جلسات بیست و سی دقیقه‌ای قرائت فرمایند - تازه آن هم در شرایطی که هر کس در پی کار خویش است و کمتر کسی ب فکر آنچه که مطرح است و بحث و گفتگو - و فعل و تفعل که از این نشست‌ها و گفتنها و برخاستنها ناشی می‌شود، عملی عبث و بیهوده و حداقل کم نتیجه است.

نخست اینکه در کنگره بحثی به مفهوم روشن و صریح کلام، مطرح نبود که فی‌المثل کسانی که در هر گوشهٔ عالم در مورد تاریخ غزنویان مطالعه می‌کنند، گرد هم آیند، آخرین مطالعات و تحقیقات انجام شدهٔ خود را برای یکدیگر بازگویند، و از اولین بررسی‌ها و استنتاج‌هایی که همکارانشان در این باب بعمل آورده‌اند، آگاه گردند. معلوم است که با توجه به مفهوم بسیار وسیع کلام «خاورشناسی» می‌شود در چنین کنگره‌های بی‌حساب و کتابی از توجیه يك لغت، تا تفسیر يك رنگ، تا بررسی آب انبار خانهٔ شما و بنده تا تشریح نوع دستگیره‌هایی که در قرن سوم میلادی بر درهای خانه‌های تبت زده‌اند، تا دریافت حد معنی بخشی يك لغت در شعر شاعری که بر سیل تفنن لغزی بزبان آورده تا استنباطی خاص از سیل آویزان فلان درویش گجراتی سدهٔ هجدهم؛ و تا هر چیز دیگری که در آسمان و زمین و دریای شرق نامتناهی (که خود لغتی نارساست و در مقیاس بررسی‌های تاریخی از هیچ حیث، مفهوم محدود و بسته‌ای نمی‌تواند داشته باشد) یافت نمی‌شود، می‌توان سخن گفت. جسارت نمی‌ورزم که برخی از موضوعات مطروحه، دست کمی از مطالب مزبور نداشت و حقیقت را که من عاجزم ز گفتن و خلق از شنیدنش!

چنین پیش‌بینی‌هایی در بنیاد کار کنگره نشده بود، و این را باید از ابتدا متوجه گردانندگان و دست‌اندرکاران اصلی آن در پاریس و در غرب شمرده که با توجه به «روح علمی» خود که پیوسته از آن دم می‌زنند، ابدأ نخواسته‌اند بدین معنی اعتناء کنند که بحر عظیم شرق را در کوزه نمی‌توان گنجانند و حتی بدین نبط، قسمت یکروزه نیز از آن نمی‌شود برداشت!

تدارك يك سخنرانی، و در حقیقت تنظیم يك مقاله - چون جای انتقاد و ابراز نظر و اظهار عقیده کافی برای کسی نبود و کلیتاً باسی دقیقه وقت که ذکرش آردمی باید که سر و ته قضیه را هم آورد! ضرورتی به اتلاف چندین وقت و سرمایه ندارد، بخوبی میتوان از هر عالم متبحر فاضلی نظیر استادان حقیقتاً پرمایه

هیئت اعزامی ایران، درخواست کرد و متوقع بود که در حدود صلاحیت و صلاح خویش تحقیقی رسا ارائه فرمایند و برگنجینه ذخائر ادبی و علوم انسانی این ملک و جهان بیفزایند.

نکته دیگر عدم هماهنگی میان گروه خاورشناسی‌های ایرانی، و در حقیقت نبودن برنامه دقیق کار و فعالیت حضرات بود. این ضعیف در صد توجیه روش روسها نیستم که کاملاً منضبط در جلسات حاضر می‌شدند، حرفشان را به قاعده می‌زدند و سیاست واحدی در قبال مسائل مطروحه در کنگره داشتند بطوریکه در آخرین جلسه عمومی کنگره که در بعد از ظهر روز شنبه ۳۰ تیر ماه تشکیل شد در دو مورد «دوام کنگره‌های خاورشناسی»، بدینگونه که تا کنون بوده، و «تشکیل کنگره جهانی بعدی» در مسکو و نه در مکزیک، نظرات واحد خود را ابراز و دفاع کردند - ولی حداقل می‌شد انتظار داشت که از هیئت اعزامی بخواهند به برخی نکات ذیل توجه فرمایند:

۱- در جلسات کنگره منظمأ شرکت کنند، چون متأسفانه برخی از افراد غالباً بدنبال کارهای شخصی خود بودند، چه آنها که از پیش، غرب و پاریس را می‌شناختند، و چه آنها که تازه وارد بودند، و طبیعی است (!) که به سیر آفاق و انفس مشغول شوند، مسلم است که این مسئله به هیچوجه تعمیم نمیپذیرد و از هر دو گروه، بزرگوارانی بودند که با وجود کهولت سن و شاید هم ضعف مزاج، پیش از همه حاضر می‌شدند و بعد از همه می‌رفتند. ولی بدون پرده پوشی باید اذعان داشت که برخی نیز رعایت این نکته را نمی‌کردند. بسیار وقت‌ها نمی‌آمدند و یا منحصرأ برای شنیدن سخنرانی دوست و آشنای معین خود می‌آمدند، آنهم قدری ابراز احساسات می‌کردند و بعد، میرفتند که می‌رفتند!

بگفته یکی از آشنایان: «روح خاورشناسی را غالباً در قهوه‌خانه‌های اطراف سوربن و کلتز دوفرانس بیشتر می‌شد یافت تا در خود آن مکانها»

۲- برخی از افراد بزبان‌های بیگانه رایج در محیط کنگره (فرانسه و انگلیسی) تسلط محاوره‌ای کافی نداشتند، این مسئله بخودی خود بهیچوجه

مورد انتقاد نیست ، چه مستشرقان بیگانه هم خیلی وقتها از درك ظرائف و دقائق زبانهای ملل مورد مطالعه خویش بی نیاز نیستند ، و بهر حال ، در هر محیط که صحبت از فرهنگ و تمدن و تاریخ و گذشته يك ملت بمیان می آید ، بنحوی می توان از زبان همان ملت استفاده کرده بطوریکه عیناً مشاهده شد چند تن از خاورشناسان شوروی با وجود تنظیم و چاپ متن نطقهای خودبه زبان انگلیسی ، بواسطه مشاهده اکثریت پارسی زبان حاضر در جلسه ، اجازه خواستند که بفارسی سخن گویند ، و چنین کردند .

منظور از طرح مسئله این است که گاه نطقی بزبان بیگانه خوانده میشد و ناطق در جواب حاضران در جلسه که بهمان زبان ، پرسشهایی میداشتند عاجز میماند ، و معلوم است که این نکته چقدر موجب زحمت میشد .

بمنظور رفع این محذور میشود که یکی از دو طریق زیر را بکار برد :

الف- متن سخنرانی بزبان فارسی باشد و بعد ، سؤال و جواب نیز همانگونه

انجام پذیرد .

ب- متن سخنرانی بزبان بیگانه باشد - و در صورت مقدور ، پیشتر چاپ و توزیع شود - و آنگاه شخصی که بهمان زبان تسلط کامل دارد و از پیش بدین منظور آماده شده است ، بین صاحب سخن و مستمع ، واسطه تفهیم و تفاهم قرار گیرد .

دیگر اینکه وقتی پرسش کننده ایرانی است و پاسخگو نیز بهمچنین ، چه خجالت دارد که خواهش شود سؤال را بهمین زبان فنی و شیرین خودمان مطرح کنند و همانگونه ، جواب را ؟ ! خواننده محترم این سطور باید خود در کنگره حاضر می بود و حسب و حال این معنی را برای العین مشاهده می فرمود !

۳- در جلساتی از کنگره عده‌ای بودند که دم از سخنانی واهی می‌زدند و خوب معلوم بود که به تحریک برخی از دول مغرض بیگانه ، درصدد خلق تاریخهای جدا ، نژادهای جدا و تمدنهای جدا بودند! چقدر جای اندیشمندان مطلع و حقیقت بین ما، باوجود آنکه برخی از آنها جزء همان هیئت اعزامی بودند ، در این قبیل جلسات خالی مینمود! دفاع از حسیات ملی و شؤن وطنی منحصر به يك فرد نیست و واجب کفائی نیز تلقی نمی‌شود ، باید که بدین نکات توجه شایسته مبذول میشد و جائی که مدافعه منطقی از نوامیس وجودی ملتی عظیم و ریشه دار تاریخی مطرح است ، جدی‌تر و قاطع‌تر اقدام می‌نمود .

۴- با اینکه در مراتب فضل و نیز فضیلت محققان و دانش پژوهان کنگره پاریس ، بهیچوجه تردیدی وجود ندارد.

ولی برای این بنده ، هنوز نکته‌ای بصورت مبهم باقی است که چرا و چگونه در هر جا که کنگره‌ای و سمیناری و کنفرانسی برگزار میشود ، امم از مطالبات مربوطه به ایران قدیم و جدید ، آسیای مرکزی ، آسیای شرقی ، استرالیا و قرضاً شمال افریقا و غیره ، همیشه عده‌ی مشخصی از افراد را باید منتظر بود و مشاهده کرد؟ قضیه تا آنجا پیش می‌رود که بقول یکی از دوستان استاد ، در شمار استادان تمام ، غیر تمام وقت : پروازی آنها که برای افاضه از شهری بشهر در عزیمتند - و قابلمه‌ای - آنها که غذای روزانه خود را با خود برمی‌دارند - يك گروه دیگر نیز دارند شکل می‌یابند که باید بحضرتشان «استادان کنگره‌ای» خطاب کرد!

در این خصوص سخن را کوتاه میکنم و بررسی این مسئله ونحوه انتخاب افراد بصیر و آگاه را که گمان دارم نباید حتماً و ضرورتاً «دانشگاهی» و «استاد» قلمداد شوند . به مسؤلان محترم امور واگذار میکنم .
با احترام